



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۲۱۱-۱۹۳

### مقاله پژوهشی

## نقش بازیگران مسلح غیردولتی در سیاستگذاری ایران، ترکیه و عربستان سعودی در خاورمیانه

سعید پیرمحمدی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان

سید امیر نیاکوئی<sup>۱</sup>

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان

رضا سیمبر

استاد علوم سیاسی دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲)

### چکیده

از زمان وقوع تحولات اعتراضات مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱، نقش بازیگران مسلح غیردولتی در سیاستگذاری کشورهای واقع در خاورمیانه افزایش پیدا کرده است. متغیرهای سیستمیک از جمله آنارشی بین‌المللی، بقامحوری، توزیع قدرت نسبی و عدم اطمینان نسبت به نیت و مقاصد سایرین و انعکاس آنها در الگوهای تعاملی کنشگران منطقه‌ای، انگیزه‌های لازم برای امنیت‌سازی و امنیت‌افزایی از طریق گروه‌های غیردولتی را به وجود می‌آورند. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که سیاستگذاری خاورمیانه‌ای در بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی از چه ماهیت و مختصاتی برخوردار است؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که بازیگران شبه‌نظامی بنابر ساخت آشوب‌زده خاورمیانه و گسترش جنگ نیابتی در الگوی تقابلی ترکیه، ایران و عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و در نهایت نیز بر مدار سیاست خارجی قدرت حامی خود گام بر می‌دارند. مقاله حاضر از نوع تبیینی بوده و اطلاعات موردنیاز نیز به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع اینترنتی معتبر گردآوری می‌شود.

**واژگان کلیدی:** بازیگران مسلح غیردولتی، ایران، عربستان، ترکیه، سیاستگذاری خاورمیانه‌ای.

## مقدمه

در شرایط منطقه‌ای خاورمیانه پس از اعتراضات مردمی ۲۰۱۱، رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران، عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. ایران و عربستان سعودی در بحران‌های یمن، سوریه، لبنان و عراق در شرایط رویارویی هویتی و جنگ نیابتی قرار گرفته‌اند. ماهیت دولت در خاورمیانه و تشدید وضعیت شکننده دولت‌هایی چون عراق، سوریه، لبنان، یمن نقش مؤثری در روند یادشده دارد. به قدرت رسیدن نسل جدید رهبران دارای اهداف و مقاصد توسعه‌طلبانه در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی، امارات و قطر نیز نقش مهمی در بهره‌گیری از گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان ابزار سیاست خارجی داشته است. اسرائیل نیز به بهانه مقابله با گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، مواضع محور مقاومت و گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران در سوریه، عراق، فلسطین و لبنان را هدف حمله قرار می‌دهد. در رابطه با ترکیه نیز اختلاف‌نظرها با تهران، ریاض و ابوظبی در مواردی چون نظم منطقه‌ای، رهبری منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای، زمینه‌ساز ورود فعال این کشور به منازعات نیابتی خاورمیانه شده است. موضوع اصلی مقاله حاضر، بررسی سیاستگذاری خاورمیانه‌ای در بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی است. لازم به ذکر است که تعریف بازیگران مسلح غیردولتی بنابر انواع و خصوصیات آنها متفاوت است. به طور کلی، گروه‌های مسلح غیردولتی به مثابه سازمان‌های متمایزی تعریف می‌شوند که مایل و قادر به استفاده از سازوکارهای متنوع برای تعقیب اهداف خود هستند، در نهادهای دولتی رسمی مانند ارتش‌های منظم، گاردهای ریاست‌جمهوری، پلیس یا نیروهای ویژه ادغام نمی‌شوند و در نهایت به لحاظ سیاسی، عملیات نظامی، منابع و زیرساخت‌ها دارای میزان مشخصی از خودمختاری هستند. با این وجود، ممکن است به طور پنهانی یا علنی از جانب بازیگران دولتی مورد حمایت یا بهره‌برداری قرار گیرند؛ چنانچه غالباً در مورد شبه‌نظامیان، مزدوران یا شرکت‌های نظامی - امنیتی خصوصی روی می‌دهد (Hofmann and Schneekener, 2011: 2-3). در راستای اهداف مقاله، این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که بازیگران شبه‌نظامی بنابر ساخت آشوب‌زده خاورمیانه و گسترش جنگ نیابتی در الگوی تقابلی ترکیه، ایران و عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و در نهایت چنین گروه‌های بر مدار سیاست خارجی دولت حامی خود گام بر می‌دارند. سازمان‌دهی مقاله بدین صورت است که پس از ارائه گزاره‌های نظری مرتبط با گروه‌های مسلح غیردولتی، نقش چنین بازیگرانی در خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس جایگاه کنشگران مزبور در سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان سعودی تحلیل می‌گردد.

### مبانی نظری

در رابطه با به‌کارگیری چارچوب نظری مناسب به‌منظور تحلیل رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی و واکاوی نقش آنها در سیاستگذاری بازیگران داخلی و خارجی محدودیت‌ها و ملاحظات قابل تأملی وجود دارد. چنان‌که آنتونی وینسی اذعان داشته، نظریه‌پردازی در خصوص تحلیل الگوی رفتاری حاکم بر گروه‌های مسلح غیردولتی و تبیین مناسبات چنین گروه‌هایی با بازیگران خارجی در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل همواره در معرض چالش‌های متعددی قرار داشته است؛ به‌عنوان مثال، آیا می‌توان با گروه‌های مسلح غیردولتی به‌مثابه «واحدهای مشابه»<sup>۲</sup> رفتار کرد و رویکردی رئالیستی را در خصوص آنها به‌کار گرفت (Vinci, 2008: 312). مطالعه گروه‌های مسلح غیردولتی، به‌طور سنتی محدود به کنشگران با دستورکار سیاسی بوده که تهدیدات خاصی را برای دولت ایجاد کرده و توانایی حکومت مرکزی در انحصار کاربرد مشروع زور در قلمرو داخلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. مطالعات اخیر بر لزوم گسترش قلمرو پژوهشی واکاوی تحرکات چنین بازیگرانی در قالب پراکسی‌ها، جنگ‌سالاران، باندهای شهری، شرکت‌های امنیتی خصوصی و شبکه‌های فراملی و جنایی صحنه گذاشته است (Krause and Milliken, 2009: 202). با این حال، در حالی که رفتار بازیگران خارجی در قبال دولت‌ها به‌واسطه مجموعه قواعد و رویه‌های نسبتاً مشخص حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل اداره می‌شود، مقوله تعامل با گروه‌های مسلح غیردولتی یک قلمرو حقوقی غامض محسوب می‌شود (Grävingsholt et al, 2007: 28). مقوله بازیگران مسلح غیردولتی از وسعتی جهانی برخوردار است و به هیچ وجه به حوزه‌های ژئوپلیتیکی چون خاورمیانه محدود نمی‌شود (Durac, 2015: 38). ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، جایگاه منطقه در چرخه جهانی قدرت، وجود دولت‌های ضعیف و شکننده، دولت‌های شکست‌خورده،<sup>۳</sup> دولت‌های فروپاشیده، جنگ‌های نیابتی،<sup>۴</sup> شکل‌گیری جنگ‌های داخلی و منازعات خشونت‌آمیز درون‌دولتی، در زمره عوامل اصلی شکل‌گیری گروه‌های مسلح غیردولتی هستند. بازیگران مسلح غیردولتی با ایفای نقش نیابتی در منازعات خاورمیانه، معادلات امنیتی منطقه را از حالت دولت‌محوری<sup>۵</sup> خارج کرده‌اند. بر این مبنای، دو روند متفاوت همکاری و مخاصمه میان بازیگران مسلح غیردولتی و قدرت‌های منطقه به‌وجود آمده است. جنگ‌های نیابتی نیز به‌نوبه خود سهم عمده‌ای در قدرت‌یابی بازیگران مسلح غیردولتی دارند. روابط میان دولت‌ها و کنشگران مسلح غیردولتی، به‌مانند مقوله انواع کنشگران غیردولتی متفاوت است. با این حال، روابط یادشده دولت‌بودگی، قطب‌بندی‌های قدرت و امنیت منطقه‌ای خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌علاوه، روابط دولت‌ها و بازیگران مسلح غیردولتی همواره نامتقارن نیست؛ میزان استقلال و قدرت نفوذ

2 - Like Units

3 - Failed States

4 - Proxy Wars

5 - State-Centric

بازیگران غیردولتی نسبت به دولت حامی با گذشت زمان و از زمینه‌ای به زمینه دیگر تغییر می‌کند (Kamel, 2017: 70). بازیگران مسلح غیردولتی به‌طور فزاینده‌ای پشت پرده ایجاد سیستم‌های جایگزین حاکمیتی هستند که در عین خودمختاری، با دولت مرکزی رقابت دارند (Rosenau, 2001; Berti, 2016). گزاره‌های بازیگران مسلح غیردولتی در سیاست بین‌الملل نقش گروه‌های شبه‌نظامی در راهبرد منطقه‌ای بازیگران خاورمیانه را در چارچوب ابزار نظامی مورد توجه قرار می‌دهد. بر این مبنا و در شرایط آشوب‌زده خاورمیانه، گروه‌های شبه‌نظامی ابزاری کارآمد به‌منظور دستیابی به اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شوند (Pollack, 2017). بازیگران مسلح غیردولتی عمدتاً بر حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی بازیگران خارجی اتکا دارند و در عوض، از این امکانات در راستای پیشبرد منافع دولت حامی خود بهره می‌گیرند. در چنین شرایطی، بازیگران مسلح غیردولتی به‌طور فزاینده‌ای به بازیگران فرامرزی واجد نفوذ منطقه‌ای تبدیل می‌شوند که در مقام شرکای استراتژیک و کارگزاری‌های نیابتی در راستای اهداف و منافع قدرت‌های منطقه‌ای قرار می‌گیرند (Kausch, 2017: 70). حمایت‌های قطر و ترکیه از جریان‌های اخوانی و شبه‌نظامیان وابسته به آنها و همچنین پشتیبانی روسیه و ایالات متحده از کردهای سوریه و عراق نشان می‌دهد که چگونه جنگ‌های نیابتی دولت‌ها و افزایش نفوذ بازیگران غیردولتی روند سیاستگذاری منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### بازیگران مسلح غیردولتی در خاورمیانه

به‌طور فزاینده‌ای اعتقاد بر این است که معادلات آینده خاورمیانه در رابطه با کنشگری گروه‌های مسلح غیردولتی شکل می‌گیرد. بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی به میزان قابل ملاحظه‌ای قدرت چانه‌زنی دولت‌ها در روندهای سیاسی مختلف را افزایش می‌دهد. گروه‌های مسلح غیردولتی عمدتاً در وضعیتی رشد و توسعه می‌یابند که نیازهای اساسی شهروندان از طریق زمامداری بد،<sup>۶</sup> حاکمیت شکست‌خورده<sup>۷</sup> یا عدم حاکمیت<sup>۸</sup> برآورده شود (Kornbluth, 2019: 13). ساخت قبیلگی اغلب کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و عدم انحصار کاربرد مشروع زور در اختیار دولت نیز بستر مناسبی را به‌منظور گسترش چنین گروه‌هایی فراهم می‌کند. در دوره بعد از آغاز تحولات بهار عربی، تعدد گروه‌های مسلح غیردولتی<sup>۹</sup> و همچنین دامنه و سطح کنشگری آنها افزایش محسوسی داشته است. این گروه‌ها ساخت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی خاورمیانه را تحت الشعاع اقدامات خود قرار داده‌اند. تعدد گروه‌های مسلح غیردولتی را می‌توان در ارتباط با تعدد کنشگران دولتی و افزایش شکاف‌ها میان آنها، تحمیل بی‌ثباتی منطقه‌ای از سوی قدرت‌های مداخله‌گر و ورود بازیگرانی چون روسیه،

6 - Bad Governance

7 - Failed Governance

8 - No Governance

9 - The Non-State Armed Actors (NSAA)

چین و ترکیه به منازعات خاورمیانه مورد ملاحظه قرار داد (Cambanis et al, 2019: 5). ایالات متحده از نیروهای دموکراتیک سوریه و کردها به عنوان نیرویی نیابتی در سوریه بهره گرفته است. چین نیز به رغم آنکه به طور مستقیم کنشگران مسلح غیردولتی را مورد حمایت قرار نداده اما به طور غیرمستقیم در تقویت چنین گروه‌هایی نقش داشته است. به عنوان مثال، عربستان پهپادهای وینگ‌لونگ<sup>۱۰</sup> خریداری شده از چین را در اختیار نیروهای نیابتی دنباله‌رو قرار داده تا در جنگ چریکی علیه انصارالله، موازنه قوا را تغییر دهند (Roblin, 2019). در سطح منطقه‌ای نیز در کنار قدرت‌هایی چون ایران، عربستان سعودی و ترکیه و ریزقدرت‌های نوظهوری چون امارات و قطر در روند منازعات نیابتی خاورمیانه وارد شده و در بسیاری از موارد نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا نموده‌اند. قطر از هیئت تحریرالشام، شاخه سابق القاعده در سوریه حمایت می‌کند. امارات بیش از ۹۰ هزار افراد قبیله‌ای، پرسنل امنیتی سابق و اعضای شبه‌نظامی شورای انتقالی جنوب را آموزش داده بود تا جای این کشور را در صحنه میدانی پر کنند (Harb, 2019). امارات در کنار ایالات متحده با همکاری نیروهای نخبگان شبوانی،<sup>۱۱</sup> نیروهای نخبه‌الحدرمی<sup>۱۲</sup> (حضر موت) و سایر شبه‌نظامیان متحد یک کارزار وسیع علیه القاعده ایجاد کردند. نیروهای نخبگانی شبه مشتمل بر قبایل بعلبید، بنی‌هلال، بالحرث و الوحدیه هستند. تیپ‌های سلفی املقا<sup>۱۳</sup> و ابوالعباس<sup>۱۴</sup> و هم‌چنین المقاومة الوطنیه (تحت رهبری طارق صالح برادرزاده علی عبدالله صالح) نیز سایر پراکسی‌های مورد حمایت ابوظبی در میدان یمن به‌شمار می‌روند. نقش امارات در جنوب یمن با نحوه اداره یمن جنوبی توسط امپراتوری بریتانیا قابل مقایسه است؛ به نحوی که از طریق طراحی یک رژیم امنیتی، قبایل جنوب یمن را علیه یکدیگر وارد بازی نموده و نیروهای قبیله‌ای پراکسی ایجاد می‌کند (Heras, 2018). فعالیت گروه‌های مسلح غیردولتی خاورمیانه در بستر اقتصاد سیاسی دولت‌ها صورت می‌گیرد. جریان سرمایه جنگ اساساً از طریق سیستم‌های دولتی اتفاق می‌افتد. در طول جنگ، بازارهای سیاه و تجارت خصوصی در حاشیه اقتصاد جنگ نگه‌داری دارند مگر اینکه با رضایت سرویس‌های اطلاعاتی دولتی به طور غیرمستقیم فعال شوند. معاملات تسلیحاتی چند میلیارد دلاری توسط دولت‌ها منعقد می‌شود. در نهایت، هزینه‌های جنگ را دولت‌ها متحمل می‌شوند. در نتیجه، بازیگران مسلح غیردولتی به شدت به تضمین‌ها و حمایت‌های دولتی اتکا دارند. این حمایت نوعی رانت است که به موجب آن بازیگران مسلح غیردولتی در عرصه عملی به گونه‌ای فعالیت می‌کنند که منافع حامیان دولتی خود را پیش ببرند. این نقش که به عنوان الگوی تعاملی نیابتی تعریف می‌شود، در دوران پس از بهار عربی متداول

10 - Wing Long

11 - Shabwani

12 - Hadrami

13 - Amalqa

14 - Abu al-Abbas

شده است (Halawi, 2015: 3). در ادامه نشانه‌های چنین وضعیتی در الگوی رفتاری عربستان سعودی، ترکیه و ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بازیگران مسلح غیردولتی در سیاستگذاری عربستان سعودی

عربستان سعودی از طریق گروه‌های مسلح غیردولتی درصدد افزایش توان راهبردی در مناطق ژئوپلیتیکی به‌ویژه خلیج فارس و دریای سرخ است. شرایط منطقه‌ای بعد از بهار عربی به‌گونه‌ای پیش رفته که ریاض عمده‌توان نیابتی خود را در برابر ایران و نفوذ منطقه‌ای این کشور در محور مقاومت سازمان‌دهی نموده است. چنان‌چه عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، اظهار داشته، توانایی ایران در تأثیرگذاری بر گروه‌های مسلح غیردولتی و حکومت‌ها، عامل اصلی نگرانی رهبران سعودی محسوب می‌شود (Imran Khan, Jun 2020). گروه‌هایی مانند القاعده که دیدگاه بنیادگرایانه عربستان سعودی در رابطه با اسلام سنی را به اشتراک می‌گذارند، از پیوندهای عمیقی با ریاض برخوردارند (Bocchi, Dec 2019). مطابق برآوردها، عربستان سعودی بیش از ۲۵ هزار نیروی شبه‌نظامی را در سطح منطقه تأمین می‌کند (Cordesman, 2018: 5). در سطوح بعدی چنین ادراکی، تهدیدات نوین در یمن، مصر، قطر، عمان و حتی امارات قرار گرفته‌اند. عمده‌تمرکز ریاض در خلیج فارس و شمال افریقا معطوف به تعقیب کلان‌استراتژی دستیابی به موقعیت رهبری جهان اسلام است. گرایش ریاض به ارتقای سطح روابط با عراق به‌وضوح از تمایل این کشور به مقابله با نفوذ ایران ناشی می‌شود. سعودی‌ها در مرز ۹۰۰ کیلومتری خود با عراق با چالش ناشی از استقرار حکومت مرکزی طرفدار ایران و گروه‌های شبه‌نظامی مقوم این برتری سیاسی مواجه‌اند. در این خصوص، سعودی‌ها بر آن‌اند تا در قالب حمایت از تکنوکرات‌هایی چون حیدر العبادی یا جذب نیروهای خاکستری شیعی به‌ویژه مقتدی صدر، سید عمار حکیم و قاسم الاعرجی (مشاور امنیت ملی) که وجود ریاض را زمینه‌ساز برقراری توازن در روابط منطقه‌ای عراق می‌دانند، نفوذ ایران را در این کشور را به چالش بکشاند. ایجاد شکاف میان مکتب نجف و مکتب قم نیز بخش دیگری از این تلاش را تشکیل می‌دهد (Crisis Group, 2018). گزارش‌ها حاکی از آن است که جنگنده‌های سعودی در جریان حمله به نیروهای نیابتی ایران در مرز عراق و سوریه (قائم-الکمال) در کنار جنگنده‌های اسرائیلی حضور داشته‌اند (Middle East Monitor, 2019). ثامر السبحان وزیر دولت در امور خلیج فارس که سابقه سفیری در عراق را در کارنامه دارد، از نقش کلیدی در پیوند ریاض با گروه‌های شبه‌نظامی و قبیله شمیری برخوردار است. وی در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان سفیر ریاض در عراق منصوب شد و پیش از آن به‌عنوان وابسته نظامی عربستان در لبنان مشغول به کار بود. وی همچنین مسئولیت نیروهای مسلح ویژه عربستان از جمله نیروهای مداخله سریع را به‌عهده داشته است. السبحان به‌کرات علیه نیروهای حشدالشعبی موضع گرفت. جانشین وی عبدالعزیز الشمیری که از نوامبر ۲۰۱۶ این سمت را به‌عهده گرفته، به‌واسطه پیوندهای قبیلگی با شمیری‌های عراق در حال پیاده‌سازی

راهبردهای پیشین السبحان است. در شمال شرقی سوریه، عربستان سعودی به منظور مقابله با اقدامات ایران به موازات حمایت و آموزش تیپ النخبات<sup>۱۵</sup> (نیروهای نظامی وابسته به جنبش فردای سوریه<sup>۱۶</sup>)، از شبه‌نظامیان عرب السنادید<sup>۱۷</sup> نیز حمایت مالی نموده است (Ayes, 2020). گروه شبه‌نظامی السنادید که اعضای آن از قبیله عرب شمر تشکیل شده، در قالب نیروهای دموکراتیک سوریه عمل می‌کنند (Taskomur, 2018). سعودی‌ها همچنین از نیروهای سلفی لواء الاسلام به رهبری زهران علوش پشتیبانی نمودند. ریاض همچنین از نیروهای نخبه سوری، شاخه نظامی حزب الغد سوریه که ریاست آن را احمد الجربا به عهده دارد، نیز حمایت مالی به عمل آورده است (Middle East Monitor, 2020). عربستان از طریق جذب قبایل و گروه‌های نیابتی در شمال شرقی سوریه بر آن است تا خلأ قدرت ایجاد شده در این منطقه را (در صورت خروج نیروهای امریکایی) با نیروهای نیابتی وابسته پر نموده و مانع از استقرار مجدد نیروهای ایرانی و اعاده حاکمیت کامل دولت اسد شوند. در اکتبر ۲۰۱۷، در پی تسلط یگان‌های مدافع خلق بر رقه، ثامر السبحان، به این شهر رفت تا در رابطه با تحولات سوریه و آرایش نیروها با مقامات امریکایی و نیروهای دموکراتیک گفتگو کند. وی همچنین دیدارهایی با قبایل دیرالزور داشته است. تعلق السبحان به قبیله شمیری و پیوندهای این قبیله با قبایل شرقی سوریه نیز نقش مهمی در پیشبرد سیاست سعودی داشته است. در سال ۲۰۱۸، عربستان ۱۰۰ میلیون دلار در شرق سوریه سرمایه‌گذاری کرد (Frantzman, 2019). سعودی‌ها همچنین از ابتکار تشکیل ارتش قبایل آزاد<sup>۱۸</sup> در منطقه لجات<sup>۱۹</sup> حمایت نموده‌اند (Hussein, 2018: 10). در بحران یمن، عربستان سعودی از حکومت منصور هادی حمایت نموده و در عین حال تلاش کرده وفاداری سران حزب اخوانی الاصلاح به خود را حفظ نماید. از این منظر، نوعی تعارض منافع میان سعودی‌ها و ابوظبی مشاهده می‌شود. محمد بن زاید با تمامی اشکال اسلام سیاسی از جمله حزب الاصلاح، مخالف است و سناریوی مطلوب خود برای آینده یمن را در قالب حذف این گروه از معادلات قدرت تنظیم نموده است. در حالی که مقابله با تهدیدات فزاینده انصارالله در مرزهای جنوبی و حملات به بنادر و زیرساخت‌های حیاتی سعودی اولویت اصلی سعودی‌ها محسوب می‌شود. ریاض همچنین مبادرت به ادغام نیروهای «مقاومت مردمی» در ارتش و به‌طور خاص تیپ ابوالعباس که بخشی از تیپ ۳۵ زرهی تعز به‌شمار می‌آید، نموده است. مقاومت مردمی یک گروه شبه‌نظامی وابسته به حزب اخوانی الاصلاح است که عمدتاً تحت تأثیر سیاست‌های عربستان سعودی قرار دارد (Middle East Eye, 2020). حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، ریاض و ابوظبی ۲,۶۰۰ خودروی ضدمین امرپ<sup>۲۰</sup> را خریداری نموده و آنها را در اختیار گروه‌های نیابتی

15 - Al-Nukhbat Brigade

16 - Syria's Tomorrow Movement

17 - the Arab al-Sanadid Forces Militia

18 - Army of Free Tribes

19 - Lajat

20 - Mine-Resistant Ambush-Protected (Mrap)

خود در یمن قرار دادند (Austin, 2018). شواهد متعددی نیز وجود دارد که سعودی‌ها برای مقابله با پیشروی انصارالله از نیروهای القاعده شاخه شبه جزیره<sup>۲۱</sup> حمایت کرده‌اند. به‌عنوان مثال، پشتیبانی هوایی و لجستیک سعودی‌ها نقش مهمی در تسلط القاعده بر بندر مکه، مهم‌ترین بندر یمن در منطقه شرقی در استان حضرموت داشت و تأمین سوخت مورد نیاز این استان توسط سعودی‌ها نیز در حفظ مواضع این گروه تأثیرات فراوانی داشته است. القاعده به‌طور مشترک شهر را با قبایل محلی اداره می‌کند، نیروهای خود را تحت عنوان «پسران حضرموت» سازمان‌دهی نموده و قوانینی سخت‌گیرانه را بر ساکنان اعمال می‌کند. تسلیحات فروخته شده به عربستان نیز عملاً در اختیار پیکارجویان القاعده قرار گرفته است (Stark, Aug 2020). از این جهت، حمایت سعودی‌ها از کنشگران مسلح غیردولتی چون القاعده به تضعیف حکومت مرکزی و تقویت گروه‌های افراطی ضددولتی دامن زده است. ایالات متحده نیز از ائتلاف تحت رهبری عربستان حمایت اطلاعاتی و لجستیکی کرده و از محاصره هوایی و دریایی یمن توسط ائتلاف پشتیبانی به‌عمل آورده است (Abi-Habib, 2015). در شمال آفریقا، حمایت عربستان از نیروهای ارتش ملی لیبی تحت رهبری ژنرال حفتر به تضعیف دولت وفاق ملی فائز سراج که سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته، منجر شده است. البته زمینه‌های چندپارگی قدرت در لیبی بسیار پیچیده بوده و عملاً بازیگران بین‌المللی مختلف با حمایت از مدعیان قدرت داخلی، اوضاع کشور را پیچیده‌تر کرده و زمینه عدم مصالحه را فراهم آورده‌اند (نیاکوئی ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۱). حمدان دوقلو معروف به حمیدتی نیز که معاونت شورای نظامی و فرماندهی نیروهای واکنش سریع<sup>۲۲</sup> سودان را به‌عهده دارد و از وی به‌عنوان حاکم دوفاکتوی سودان یاد می‌شود، در ارسال تجهیزات و نیروهای شبه‌نظامی به لیبی نقش مهمی داشته است. وی همچنین، ارتش مزدوری مورد نیاز ائتلاف عربستان برای حمله به یمن را تدارک دیده است. حمیدتی در سال ۲۰۱۵ پس از ملاقات با محمد بن‌سلمان در جده اظهار داشت: «نیروهای سودانی برای دفاع از امنیت عربستان در یمن باقی می‌مانند» (France 24, 2019). در ازای کمک به پیشبرد سیاست منطقه‌ای عربستان، پادشاهی در کنار امارات تعهد کردند سه میلیارد دلار کمک مالی در اختیار شورای انتقالی سودان قرار دهند (The National News, 2019). محمد یوسف، نخستین رهبر گروه شبه‌نظامی بوکوحرام نیز در مرحله پایه‌گذاری این تشکیلات، از طریق القاعده حمایت مالی عربستان را دریافت نمود (Olivier, May 2020). سومالی نیز در مرکز کشاکش منطقه‌ای ریاض و آنکارا در شمال آفریقا قرار دارد؛ جایی که ترکیه بزرگترین پایگاه نظامی خارجی خود را در سال ۲۰۱۷ افتتاح نمود. در مقابل نیز ریاض و ابوظبی، شبه‌نظامیان الشباب را برای حمله به و تحت فشار قرار دادن حکومت مرکزی سومالی مورد حمایت قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، در ژانویه ۲۰۲۱ الشباب با حمله به محلی در ۱۵ کیلومتری پایگاه نظامی ترکیه در نزدیکی موگادیشو، ۱۴ نفر از جمله سه تبعه ترک

21 - Al-Qaeda in the Arabian Peninsula (AQAP)

22 - The Rapid Support Forces (RSF)



را زخمی کرد (AlJazeera, Jan 2021). در مقایسه قدرت نیابتی ایران و عربستان چند نکته حائز اهمیت است؛ نخست اینکه تهران می‌تواند تقریباً تمامی شبه‌نظامیان شیعه در خاورمیانه را سازمان‌دهی و بسیج نماید و چنین نیروهایی به‌طور داوطلبانه حاضر به نبرد در صف نیروهای محور مقاومت هستند، در حالی که بسیاری از گروه‌های افراطی سنی به‌عنوان یک هدف راهبردی، سرنگونی حکومت سعودی را در سر دارند (Sadjadpour, 2020). به‌علاوه تشدید شکاف‌های عربستان با محور اخوانی ترکیه- قطر و در سطحی پایین‌تر با امارات به‌موازات بر هم زدن صف‌بندی‌های نخستین ضد مقاومت در آغاز بهار عربی، دامنه و ابعاد کنشگری نیابتی عربستان را افزایش داده است. این امر به تضعیف نهاد دولت در خاورمیانه و ایجاد حاکمیت موازی از طریق کنشگران نیابتی دامن می‌زند. دوم، به‌رغم اینکه بسیاری از کنشگران نیابتی ایران و افراد کلیدی آنها از جمله حزب‌الله، انصارالله، حماس و حشدالشعبی در فهرست تروریستی کشورهای غربی و عربی قرار گرفته‌اند اما گروه‌های نیابتی عربستان از جمله حکومت هادی، و حتی گروه‌های سلفی در چنین فهرست‌هایی قرار نگرفته‌اند.

### بازیگران مسلح غیردولتی در سیاستگذاری ترکیه

تحولات انقلابی خاورمیانه به‌منزله نقطه عطفی در سیاست خارجی و امنیتی ترکیه بود. تحت تأثیر تحول یادشده، آنکارا سیاست تنش صفر با همسایگان<sup>۲۳</sup> را کنار گذاشته و در قالب الگوی جدید سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه<sup>۲۴</sup> و کارگزاران جدید اردوغان مبادرت به تعقیب بلندپروازی‌های منطقه‌ای در بالکان، شرق مدیترانه، آسیای مرکزی و قفقاز، خاورمیانه و شمال آفریقا نموده است. بر این مبنا، ترکیه اقدام به مداخله نظامی مستقیم در عراق (عملیات‌های پنجه عقاب و پنجه ببر)، سوریه (عملیات‌های سپر فرات، شاخه زیتون، چشمه صلح و سپر بهار) و لیبی (عملیات طوفان صلح) کرده است. آنکارا همچنین در قطر (طارق بن‌زاید و خالد بن‌ولید)، سودان (سواکن)، سومالی (موگادیشو) و جیبوتی پایگاه نظامی ایجاد نموده است. این کشور از پیوندهای قومی- مذهبی نیز به‌منظور ایجاد و تقویت گروه‌های نیابتی خاص خود استفاده نموده است. گروه‌های ترکمن که در کشورهایی چون عراق، لبنان و سوریه اقلیت قومی به‌شمار می‌روند، به ترکیه به‌عنوان خویشاوندان قومی- تاریخی می‌نگرند. ترکیه نیز با آموزش، تجهیز و تسلیح این گروه‌ها از آنها به‌عنوان نیروی نظامی نیابتی در منازعات نیابتی سوریه، لیبی و قره‌باغ بهره گرفته است. در بحران سوریه، آنکارا از ارتش نیابتی شورشیان سابق عرب معروف به ارتش آزاد سوریه<sup>۲۵</sup> یا ارتش ملی سوریه<sup>۲۶</sup> پشتیبانی می‌کند. تشکیلات مزبور مشتمل بر زیرشاخه‌های

23 - Zero Problem with Neighbor

24 - Adalet ve Kalkınma Partisi (AKP)

25 - The Free Syrian Army (FSA)

26 - Syrian National Army (SNA)

شبه‌نظامی چون گروه سلیمان‌شاه<sup>۲۷</sup> و لشکر حمزه<sup>۲۸</sup> در عملیات‌های سپر فرات و شاخه زیتون مشارکت داشته است. تعداد نیروهای این گروه شبه‌نظامی بیش از ۲۵ هزار نفر تخمین زده می‌شود. نامگذاری گروه‌های نظامی با اسامی سلاطین عثمانی از جمله تیپ سلطان سلیمان‌شاه و تیپ سلطان مراد از انگیزه‌های آنکارا پرده بر می‌دارد. تیپ سلطان مراد،<sup>۲۹</sup> گروه شبه‌نظامی ترکمن طرفدار آنکارا است که در جریان عملیات شاخه زیتون در کنار ارتش ترکیه قرار گرفت (Aliyev, 2019). گروه فیلق الشام نیز پیوندهای نزدیکی با اخوان المسلمین دارد و به‌عنوان بازیگر اصلی جبهه آزادیبخش ملی،<sup>۳۰</sup> در زمره نزدیکترین گروه‌های شبه‌نظامی به ترکیه محسوب می‌شود (European Asylum Support Office, Sep 2020). در نهایت، لشکر حمزه نیز که متشکل از ۶,۵۰۰ شبه‌نظامی ترکمن، عرب و کرد است، در جریان عملیات سپر فرات آنکارا در سال ۲۰۱۶ نقش ویژه‌ای داشت (Daily Sabah, Dec 2020). گروه شبه‌نظامی جیش‌الاسلام نیز که در سال‌های آغازین بحران سوریه از سوی عربستان تأمین مالی می‌شد، در حال حاضر یکی از نیروهای تحت امر ارتش آزاد و ترکیه محسوب می‌شود (Ozkizilcik, Jan 2021). ترکیه تاکنون به‌طور مستقیم مبادرت به مداخله نظامی در یمن نکرده است اما جنبه‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی موضوع که به‌وضوح در نیت و مواضع دولتمردان ترک تبلور یافته و هم‌چنین شواهد موجود حاکی از تلاش آنکارا برای ایفای نقش در این کشور است. به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، حضور در یمن می‌تواند از طریق افزایش و تقویت حضور و نفوذ آنکارا در شبه‌جزیره عربستان و ایفای نقش در معادلات قدرت و امنیت این منطقه، امکان تسلط بر تنگه استراتژیک باب‌المندب و دریای سرخ را فراهم نماید. افزون بر این، حضور در حیات خلوت عربستان سعودی و حوزه نفوذ امارات توان راهبردی این دو کشور را به میزان قابل ملاحظه‌ای تحدید نموده و دست آنها را در سایر مجادلات ژئوپلیتیکی از جمله پشتیبانی از بازوهای نیابتی خود در لیبی، سومالی، اریتره و سودان محدود سازد. ایجاد پایگاه نظامی دریایی ترکیه در عمان که اخیراً رسانه‌ای شده به‌شدت نگرانی مقامات ابوظبی و ریاض را برانگیخته است. ترکیه و عربستان رقابت مداومی در زمینه رهبری جهان سنی دارند و هر یک با قرائت‌های متفاوتی درصدد دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی هستند. برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از طریق کنشگری نیابتی، ترکیه ابزارهای متعدد اطلاعاتی، دیپلماتیک-سیاسی، اقتصادی، بشردوستانه و نیمه‌خصوصی را به‌کار گرفته است. هاکان فیدان<sup>۳۱</sup>، دوست و معتمد اردوغان، به‌عنوان نفر اول سرویس اطلاعاتی ترکیه، پشتوانه اطلاعاتی نفوذ منطقه‌ای آنکارا را فراهم می‌کند. در زمینه تسلیحاتی، پهباد بایراکتار

27 - Suleyman Shah group

28 - The Hamza Division (Arabic: فرقة الحمزة)

29 - The Sultan Murad Division (Arabic: فرقة السلطان مراد)

30 - the National Liberation Front (NLF)

31 - Hakan Fidan

تی.بی.۳۲ که به وسیله سلجوک بایراکتار،<sup>۳۳</sup> داماد اردوغان، طراحی و ساخته شده، نقش مهمی در تغییر موازنه قوا در جبهه لیبی داشته است. شرکت سادات<sup>۳۴</sup> که در سال ۲۰۱۲ توسط عدنان تانریوردین<sup>۳۵</sup> ایجاد شد، یک نیروی شبه نظامی طرفدار به اردوغان است (Nordic Monitor, July 2020) که در زمینه جذب مزدور و نیروهای جنگجو برای پروژه کارگزاران نیابتی آنکارا فعالیت دارد. این شرکت نقش مهمی در آموزش شورشیان عرب سنی مخالف اسد داشته است. گفته می شود سه هزار جنگجوی خارجی فعال در سوریه و لیبی از این شرکت آموزش نظامی دریافت کرده اند. افزون بر این، عملیات آموزشی اعضای داعش و النصره نیز بخشی از دستورکار سادات بوده است. از این طریق، نوعی ابزار جنگ های نامتقارن فراهم می شود که در نبردهای نیابتی خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بهره برداری قرار می گیرد. نقش این سازمان قابل مقایسه با شرکت امنیتی روسی گروه واگنر<sup>۳۶</sup> است که برای ارتش ملی لیبی (ژنرال حفتر) مزدور جنگی فراهم می کند. سازمان امداد بشردوستانه<sup>۳۷</sup> و آژانس همکاری و هماهنگی<sup>۳۸</sup> هلال احمر ترکیه<sup>۳۹</sup> و اداره امور مذهبی ترکیه (دیانات)<sup>۴۰</sup> نیز پیشبرد سیاست منطقه ای ترکیه در پوشش ابزارهای بشردوستانه، مذهبی و رفاهی را به عهده دارند. وجود حزب اخوانی الاصلاح که در استان های تعز، مأرب و الجوف از نفوذ بالایی برخوردارند، بستر مناسبی برای کنشگری فعال ترکیه فراهم می کند. در یمن، آنکارا می تواند از نفوذ چشمگیر دوحه بر قبایل این کشور و حمایت مالی آل ثانی به منظور گسترش نفوذ خود بهره گیرد. پایگاه های نظامی ترکیه در شاخ آفریقا یعنی پایگاه سواکن و موگادیشو نیز می توانند حمایت لجستیک از عملیات نظامی در یمن را فراهم کنند. حامد الاحمر، صالح الجبوانی (وزیر سابق حمل و نقل یمن)، محمد بن آدیو، سعید المخلافی، علی البوجیری و توکل کرمان از جمله اصلی ترین شخصیت های نزدیک به ترکیه در یمن هستند. علی البوجیری به کرات خواستار مداخله آنکارا در یمن شده است. سفر جبوانی به ترکیه در دسامبر ۲۰۲۰ و دیدار با مقامات ترکیه به منزله تلاش این کشور برای ورود به پرونده یمن محسوب می شود. نفوذ بالای جبوانی در استان نفت خیز شبوه یکی از جنبه های ژئواستراتژیک پیوند آنکارا و دوحه با وی است. الجبوانی یک مرکز استخدام در شهر آتاک<sup>۴۱</sup> ایجاد کرده و توانسته است ۶۰۰ مبارز را استخدام کند. وی هم چنین مبادرت به خریداری تسلیحات از بازار سیاه نموده است. در شمال عراق، آنکارا عملیات های نظامی متعددی را به بهانه نابود کردن پ.ک.ک، مقابله با داعش و همه پرسی استقلال اقلیم کردستان سازمان دهی نموده

32 - Bayraktar TB2

33 - Selcuk Bayraktar

34 - SADAT company

35 - Adnan Tanrıverdiin

36 - Russian security firm Wagner Group

37 - Turkish Humanitarian Relief Organization

38 - Turkish Cooperation and Coordination Agency (TIKA)

39 - Turkish Red Crescent

40 - Turkish Directorate of Religious Affairs (Diyamet)

41 - Ataq

است. هدف ترکیه از انجام این عملیات‌ها بیش از آنکه دفاع از خود و مبارزه با تهدیدات امنیتی باشد، گسترش نفوذ نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید در خاک عراق است. در قضیه کرکوک، آنکارا تلاش داشته تا هویت ترکمنی این استان را برجسته نموده و از این طریق ضمن نفوذ در این منطقه ژئواستراتژیک بر کردها نیز اعمال فشار نماید. ترکیه خود را حافظ حقوق اقلیت ترکمن در عراق، سوریه و لبنان معرفی نموده است. ترکمن‌ها که حدود ۱۰ درصد جمعیت عراق (۲,۵-۳ میلیون نفر) را تشکیل می‌دهند، به واسطه پیوندهای فرهنگی و تمدنی از قابلیت‌های قابل توجهی برای ایفای نقش در چارچوب پروژه نفوذ منطقه‌ای ترکیه برخوردارند. اردوغان نیز ترکمن‌ها را به مثابه متحدان طبیعی آنکارا می‌پندارد. جبهه ترکمن‌های عراق<sup>۴۲</sup> در عمل به‌عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های ترکیه در بغداد ایفای نقش می‌کند. در پرونده سوریه نیز گردان ترکمن‌های سوریه<sup>۴۳</sup> به‌عنوان گروهی شبه‌نظامی تحت حمایت آنکارا قرار دارد (Cengiz, Aug 2020). کنش ترکیه در شمال افریقا ابعاد وسیع‌تری دارد. آنکارا به‌منظور حمایت از دولت وفاق ملی لیبی به ریاست فایز السراج، دو هزار نیروی شبه‌نظامی سوری متشکل از عناصر ارتش آزاد سوریه و فیلق‌الشام را در کنار مستشاران ترک به لیبی اعزام کرده است. این شبه‌نظامیان در گروهی شبه‌نظامی تحت عنوان «عمر مختار»<sup>۴۴</sup> سازمان‌دهی شده‌اند. جنگجویان مزبور قراردادی ۶ ماهه با دولت وفاق ملی لیبی به امضا رسانده‌اند که طبق آن هر یک ماهیانه دو هزار دلار حقوق دریافت می‌کنند. به همگی این جنگجویان نیز اقامت ترکیه وعده داده شده است (McKernan, Jan 2020). در سودان، به‌دنبال روی کار آمدن مهره دست‌نشانده عربستان و امارات یعنی قاسم برهان و کاهش قدرت تأثیرگذاری آنکارا بر حکومت مرکزی، این کشور از دولت تازه استقلال یافته سودان جنوبی حمایت نموده است. کمک‌های ترکیه طیفی از حمایت‌های سیاسی - دیپلماتیک و لجستیکی را در بر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، ترکیه در پوشش آژانس همکاری و هماهنگی (تیکا) کمک‌های متعددی را به سودان جنوبی ارسال نموده است.

### بازیگران مسلح غیردولتی در سیاستگذاری ایران

افزایش نقش ایران در خاورمیانه و شمال افریقا از زمان حمله آمریکا به عراق از دامنه و عمق بیشتری برخوردار شد. قابلیت بالای ایران در بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی در سیاست خارجی و امنیتی خود از رهیافت و ایدئولوژی انقلابی و تجدیدنظرطلب و فقدان شرایط لازم برای گسترش نفوذ منطقه‌ای از طریق دولت‌ها ناشی می‌گردد (Cambanis et al, 2019: 5). هدف محوری از تقویت گروه‌های مسلح غیردولتی در حلقه نخست منظومه امنیتی ایران، اتصال کریدور زمینی<sup>۴۵</sup> محور مقاومت از تهران به عراق، سوریه، لبنان و فلسطین است. اتصال جمهوری اسلامی

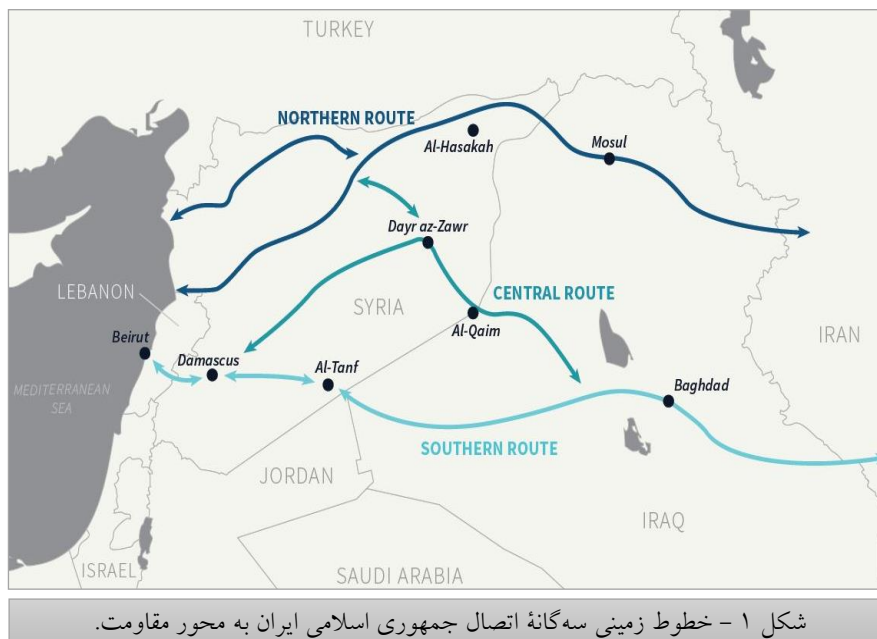
42 - The Iraqi Turkmen Front

43 - The Syrian Turkmen Brigades

۴۴ - از چهره‌های مقاومت لیبی که در سال ۱۹۳۰ توسط ایتالیایی‌ها کشته شد

45 - Land Corridor

ایران به محور مقاومت از طریق سه مسیر شمالی (از طریق ایران، اقلیم کردستان عراق، شهر سنچار عراق، شهرهای شمال شرقی سوریه مانند حسکه به لبنان)، مسیر مرکزی (از طریق ایران، مرکز عراق، شهر مرزی القائم، ابوکمال سوریه، دیرالزور سوریه به لبنان) و در نهایت مسیر جنوبی (از طریق ایران، شهر مرزی الولید عراق، التنف در سوریه، دمشق و سپس لبنان) صورت می‌گیرد (Jones, 2019: 5). ایالات متحده آمریکا از طریق ایجاد پایگاه نظامی التنف و نظارت بر گذرگاه مرزی الولید-التنف (در ۲۰۰ کیلومتری جنوب مرز قائم-بوکمال)، مدیریت و کنترل خط جنوبی کریدور مرکزی محور مقاومت را دنبال نموده و از طریق ایجاد و تقویت پایگاه عین‌الاسد در استان الانبار درصدد قطع کریدور مرکزی ارتباط ایران با محور مقاومت است. تعقیب چنین راهبردی از سوی واشنگتن درگیری‌ها میان آمریکا-اسرائیل با محور مقاومت را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. تصویر زیر مجاری اتصال زمینی محور مقاومت را نشان می‌دهد. سیاست راهبردی ایران در حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی عراقی از مؤلفه‌های متعدد راهبردی، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری تأثیر می‌پذیرد. برخورداری شیعیان عراق از اکثریت جمعیت در این کشور شرایط مناسبی را برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی به‌وجود آورده است. بسیاری از آنها از جمله سازمان بدر، از دهه ۱۹۸۰ با نیروی قدس سپاه ایران در ارتباط بودند.



از دل این شبکه آموزشی شخصیت‌هایی چون ابومهدی المهندس بیرون آمدند که بعدها هسته‌های اولیه حشدالشعبی عراق را بنیان نهادند (Frantzman, 2020). بهره‌گیری از گروه‌های

مسلح غیردولتی در عراق ابزاری کارآمد به منظور مقابله با تحرکات رقبای منطقه‌ای ایران و مداخله‌گری ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. در این حوزه، تلاش ایران معطوف به پایگاه‌سازی از طریق بازوهای نیابتی در عراق بوده است. ایران از بازیگران شبه‌نظامی در عراق به منظور مقابله با نیروهای امریکایی و اعمال نفوذ سیاسی داخل حکومت عراق بهره می‌گیرد (Mazzetti and Schmitt, 2020). در ۴ فوریه ۲۰۱۹، دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «یکی از دلایل تمایل ما به باقی‌ماندن نیروهایمان در عراق این است که می‌خواهیم تا حدودی ایران را تحت نظارت داشته باشیم زیرا ایران مشکل حقیقی است و می‌خواهیم که او را زیر نظر داشته باشیم». در این میان، واضح است که پدیده نظامی شدن مرزهای عراق و سوریه و حضور کنشگران دولتی و غیردولتی، خطوط میان نهادهای رسمی و غیررسمی را از بین برده و این ابهام را تقویت نموده که در نهایت اقتدار و زمامداری در این محدوده از سوی نهادهای دولتی اعمال می‌شود یا شبه‌نظامیان غیردولتی (Hasan and Khaddour, 2020). عصبه‌الثائین، اصحاب‌الکهنف، قبضه‌المهدی و قاسم‌الجبارین گروه‌های شبه‌نظامی‌ای هستند که همگی در اواخر سال ۲۰۱۹ و اوایل ۲۰۲۰ شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها که به‌طور زیرزمینی فعالیت می‌کنند، فاقد رهبری مشخص، سخنگو و حتی سابقه تاریخی مشخص هستند. هدف از شکل‌گیری این تشکیلات جدید، برداشتن فشار از رهبران سیاسی و دینی شیعه و تحت تأثیر قرار دادن تلاش‌های آمریکا برای تعقیب گروه‌هایی است که علیه منافع آنها در عراق حملاتی را انجام می‌دهند (سالم، ۲۱ آوریل ۲۰۲۰). وجود حوثی‌ها به‌عنوان بزرگترین اقلیت حاشیه‌ای یمن که از پیوندهای اعتقادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران برخوردارند، نیز بستر مناسبی را گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق گروه‌های شبه‌نظامی فراهم کرده است. اهمیت استراتژیک تنگه باب‌المندب برای ایران از جایگاه برتر آن در اشراف بر شاخ آفریقا و مجرای کلیدی برای دسترسی به دریای سرخ، کانال سوئز و دریای مدیترانه ناشی می‌شود. در سوریه، رقابتی بسیار جلدی بین ایران، ترکیه و عربستان برای گسترش حوزه نفوذ به وقوع پیوست. با توجه به جایگاه استراتژیک این کشور برای ایران، جمهوری اسلامی از راهکارهای مختلف برای حفظ حکومت سوریه بهره گرفت. (Niakooee 2013 : 441-440) که از جمله می‌توان به گروه‌های نیابتی اشاره نمود. به عنوان مثال، ایران مبادرت به ایجاد تشکیلات «مقاومت اسلامی در سوریه» یا نیروهای دفاع وطنی<sup>۴۶</sup> نموده است. گروه‌های زیرمجموعه این تشکیلات تحت عناوینی چون «نیروهای ریحا» (که در استان حمص فعالیت دارد) و فاتحان: سرایای مقاومت اسلامی در سوریه (که بر استان‌های درعا و قنیطره متمرکز است) و تیپ امام باقر (که در استان حلب قرار دارد) هستند (Jones, 2019: 12). ایران همچنین فاطمیون و زینیون را به منظور دفاع از دولت اسد به‌کار گرفته است (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۷۳). حزب‌الله لبنان نیز در این روند نقش مؤثر و فعالی را ایفا نموده است.

به موازات حمایت تهران از بازوهای نیابتی در سوریه، شبه‌نظامیان ایرانی در پوشش بخشی از ارتش سوریه عمل کرده‌اند (Vohra, April 2020). اوضاع در سوریه از پیچیدگی بالایی برخوردار است؛ در کنار حمایت آنکارا و ریاض از گروه‌های شبه‌نظامی، ایالات متحده با بهره‌گیری از شبه‌نظامیان کُرد به‌عنوان یک بازوی نیابتی قابل اتکا تلاش داشته تا ضمن اعمال کنترل بر میدین نفتی و گازی شرق و شمال شرق سوریه، مانع از دسترسی دولت اسد و محور مقاومت بر منابع استراتژیک و اعاده حاکمیت آن بر قلمرو این کشور شود.

### بررسی تطبیقی الگوی سیاستگذاری ایران، عربستان و ترکیه

از حیث دامنه و ابعاد، نقش کنشگران مسلح غیردولتی در سیاست خارجی کشورهای ترکیه، عربستان و ایران در دوره بعد از بهار عربی افزایش یافته است. عراق، سوریه، لبنان و یمن در زمره کانون‌های ژئوپلیتیکی منازعه نیابتی سه کشور دانست. هرچند که حوزه‌های شمال آفریقا، دریای سرخ، تنگه باب‌المندب، دریای مدیترانه و حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و آسیای جنوبی نیز به‌طور بالقوه کانون‌های رقابتی به‌شمار می‌روند. بازیگران شبه‌نظامی بنابر ساخت آشوب‌زده خاورمیانه و گسترش جنگ نیابتی در الگوی تعاملی کشورهای ترکیه، ایران و عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. مطلوبیت و کارآمدی چنین کنشگرانی در رهیافت این کشورها نیز متفاوت است. در زمینه بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی برای تأمین اهداف و منافع، تهران و آنکارا توفیق بیشتری در مقایسه با ریاض کسب کرده‌اند. سابقه دیرینه ایران در بهره‌گیری از چنین گروه‌هایی در کنار استفاده از دکترین بازدارندگی نامتقارن، سبک رهبری کاریرماتیک، الگوی بسیج مردمی، خطوط لجستیک حمایت از چنین گروه‌هایی و تشکیل ارتش چندملیتی متشکل از گروه‌های شبه‌نظامی در کنار مرجعیت نسبی در جهان تشیع نوعی مزیت راهبردی را برای ایران فراهم نموده‌اند. الگوی ترکیه نیز مبتنی بر بهره‌گیری از پیوندهای قومی-مذهبی با گروه‌های اخوانی و ترکمنی است که در عراق، سوریه، لبنان، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، سودان و سومالی در حال پیاده‌سازی است. در این میان، عربستان به‌جهت ناکامی محمد بن سلمان در پرونده‌های یمن و موضوع خاشقچی و افزایش حساسیت‌های بین‌المللی و همچنین وزن بالای رقبای منطقه‌ای به‌ویژه ایران و ترکیه صرفاً به‌عنوان یک تسریع‌کننده و اهرم راهبرد موازنه از راه دور آمریکا ایفای نقش نموده است. جنگ‌های نیابتی این امکان را برای هریک از بازیگران یادشده فراهم می‌کند تا به استراتژی خود برای حضور در دو جنگ منطقه‌ای همزمان جامه عمل بپوشانند. در شرایط جدید که نشانه‌هایی از همگرایی در محور دوحه-آنکارا با ریاض-ابوظبی پدیدار شده، نقش کنشگران مسلح غیردولتی در گذار به نظم نوین منطقه‌ای حائز اهمیت است. ارتش آزاد سوریه به‌عنوان بازیگر شبه‌نظامی دنباله‌رو ترکیه می‌تواند یک فرصت مناسب برای گسترش همکاری دوجانبه باشد. از این طریق، عربستان قادر خواهد بود که ائتلاف‌بندی جدیدی را علیه تهران سازمان‌دهی نماید. به‌ویژه که شکاف‌های عربستان و امارات از یکسو و امارات و

ترکیه از سوی دیگر به گونه‌ای روزافزون تشدید شده و این امر احتمال همراهی سیاستگذاری نیابتی ریاض و آنکارا را بالا می‌برد.

### توصیه‌های سیاستی

چنانچه یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد، گروه‌های مسلح غیردولتی سطحی از استقلال را در کنش‌ها و اقدامات خود برجسته می‌کنند اما در نهایت برون‌دادهای رفتار خارجی آنها در خدمت منافع دولت حامی یا پشتیبان قرار می‌گیرد. در واقع، گرچه آنها پوششی از استقلال را در اقدامات خود به نمایش می‌گذارند اما در تحلیل نهایی از طریق دولت حامی کنترل شده و اهداف و منافع منطقه‌ای آن را تعقیب می‌نمایند. بازیگران مسلح غیردولتی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، عمدتاً بر حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی بازیگران خارجی اتکا دارند و در عوض، از این امکانات در راستای پیشبرد منافع دولت حامی خود بهره می‌گیرند. تحت چنین شرایطی، بازیگران مسلح غیردولتی به‌طور فزاینده‌ای به بازیگران فرامرزی واجد نفوذ منطقه‌ای تبدیل می‌شوند و در مقام شرکای استراتژیک و کارگزاری‌های نیابتی اهداف و منافع قدرت منطقه‌ای را تأمین می‌نمایند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که در بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی در شبکه‌ای از جنگ‌های نیابتی و تعارض منافع قدرت‌های منطقه‌ای به‌عنوان ابزار سیاست خارجی باید ملاحظاتی چند را سرلوحه سیاستگذاری نظامی - امنیتی قرار داد. نکته حائز اهمیت کاهش مخاطرات و چالش‌های ناشی از بهره‌گیری از بازیگران مسلح غیردولتی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران است. باید توجه داشت که در حوزه استفاده از بازیگران مسلح غیردولتی برای پیشبرد سیاست خارجی نیز قدرت اقناعی و قدرت نهادی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اقناع دولت‌های عراق و سوریه برای ادغام بازیگران مسلح غیردولتی در ساختار نیروهای نظامی - امنیتی و در گام بعدی تبدیل آنها به احزاب و جریان‌های سیاسی جزء کلیدی موفقیت سیاستگذاری امنیتی ایران به‌شمار می‌آید. موضوع بعدی، توانایی تبدیل دستاوردهای نظامی به اهرم‌های سیاسی و منفعت اقتصادی است که روی هم رفته قدرت هوشمند یک کشور را تشکیل می‌دهند. ژنرال‌های نظامی به‌عنوان جاده‌صاف‌کن دیپلمات‌های اقتصادی عمل می‌کنند. دیپلمات‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی مجاری پیاده‌سازی راهبرد امنیت ملی و منطقه‌ای هستند که به‌طور هم‌زمان بایستی از ابزارهای نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی استفاده کنند. تلاش دولت بایدن معطوف به اجماع‌سازی منطقه‌ای علیه ایران و ایجاد محیط منطقه‌ای همگن و همسو از طریق احاله مسئولیت به اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و حتی ترکیه است. راهبرد مقتضی، جلوگیری از ائتلاف‌سازی منطقه‌ای علیه ایران از طریق گسترش دیپلماسی منطقه‌ای و تعامل سازنده، استفاده از نقش میانجی‌گرانه عمان، قطر و عراق و بهره‌گیری از نقش موازنه‌گرانه روسیه است. به‌علاوه می‌توان از طریق گسترش تنش‌زدایی در روابط با عربستان و ترکیه ضمن کاهش معمای امنیتی روندهای موجود را حفظ و تثبیت نمود و با دیپلماسی اقتصادی



منطقه‌ای را جایگزین بحران‌های هویتی و منازعات درون‌گفتمانی اسلامی کرد. سوریه به واسطه دریافت بیشترین کمک‌های خارجی از ایران مستعد حضور و ایفای نقش فعالانه شرکت‌ها و تجار ایرانی است. بندر لاذقیه سوریه می‌تواند به مجرای ارتباطی و حلقه اتصال ایران به دریای مدیترانه تبدیل شود و از این طریق تجارت دریایی ایران تضمین گردد. افزون بر این، با توجه به اشراف انصارالله یمن بر تنگه راهبردی باب‌المندب و دریای سرخ می‌توان کریدور دریایی محور مقاومت را طراحی و عملیاتی کرد. از این طریق، امکان دسترسی به بازارهای جهانی و چندبرداری کردن محور مقاومت فراهم می‌آید. طرح‌هایی مانند خط لوله صلح اسلامی و اتصال ریلی بندر امام به بندر لاذقیه عمدتاً در حد ایده باقی مانده‌اند حال آنکه از این قابلیت برخوردارند که وابستگی متقابل امنیتی اجزای محور مقاومت را به وابستگی متقابل اقتصادی بسط و توسعه دهد. بر این مبنای تثبیت امتیاز نامتقارن ایران در سازمان‌دهی، گسترش و تثبیت حشد شعبی و نیروهای دفاع وطنی در ساختار ارتش و نیروهای مسلح عراق و سوریه مستلزم چندبرداری و چندبعدی کردن مؤلفه‌های قدرت و نفوذ منطقه‌ای است.

## منابع

- ۱ - نیاکوبی، سیدامیر و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۸)، «سیاستگذاری امنیتی ایران در قبال منازعات خاورمیانه پس از بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۸)»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱.
- ۲ - نیاکوبی، سید امیر (۱۳۹۹)، زمستان عربی و معمای دموکراسی در خاورمیانه. انتشارات مخاطب
- ۳ - سالم، زید (۲۱ آوریل ۲۰۲۰)، ۳ ملیش‌یات عراقیة جدیدة: أذرع جانیة لإیران ضد أمير كا، العربی الجدید، <https://www.alaraby.co.uk/politics/2020/4/20/3->
- 4- Abi-Habib, Maria (2015), Al Qaeda Fights on Same Side as Saudi-Backed Militias in Yemen,
- 5- Aliyev, Jeyhun (2019), Free Syrian Army ready for potential new operation, Anadolu Agency.
- 6- AlJazeera, (2021), Several people killed in attack on Turkish company in Somalia, <https://www.aljazeera.com/news/2021/1/2/several-people-killed-in-attack-on-turkish-company-in-somalia>
- 7- Austin, Rod (2018), Yemen: inquiry finds Saudis diverting arms to factions loyal to their cause, The Guardian.
- 8- Ayeshe, Mohammad (2020), Arabic press review: Saudi Arabia plans new militia in Syria, Middle East Eye.
- 9- Berti, Benedetta (2016), What's in a name? Re-conceptualizing non-state armed groups in the Middle East, Palgrave Communications, Vol. 2, No. 1.
- 10- Bocchi, Alessandra (2019), Following the Money: Why is the Saudi Lobby so Powerful in America? <https://www.albawaba.com/insights/following-money-why-saudi-lobby-so-powerful-america-1324722>
- 11- Cambanis, Thanassis; Wahid Hanna, Michael; Esfandiary, Dina; Ghaddar, Sima; Lund, Aron and Mansour, Renad (2019), Hybrid Actors: Armed Groups and State Fragmentation in the Middle East, New York, The Century Foundation.
- 12- Cengiz, Sinem (2020), Iraq, Syria's Turkmen communities a useful tool for Turkey, Arab News, <https://www.arabnews.com/node/1716151>
- 13- Cordesman, Anthony (2018), Military Spending: The Other Side of Saudi Security, The Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- 14- Daily Sabah, (2020), Turkey-backed SNA opens 1st military post in Syria's Azaz, <https://www.dailysabah.com/world/syrian-crisis/turkey-backed-sna-opens-1st-military-post-in-syrias-azaz>
- 15- Durac, Vincent (2015), The Role of Non-State Actors in Arab Countries after the Arab Uprisings, IEMed. Mediterranean Yearbook.

- 16- European Asylum Support Office, (2020), Anti-government armed groups, <https://easo.europa.eu/country-guidance-syria/13-anti-government-armed-groups>
- 17- France 24 (2019), Sudan general vows to back Saudi against Iran 'threats', <https://www.france24.com/en/20190524-sudan-general-vows-back-saudi-against-iran-threats>
- 18- Frantzman, Seth (2019), Is Saudi visit to eastern Syria prelude to greater US, Saudi role? The Jerusalem Post.
- 19- Gravingholt, Jörn; Hofmann, Claudia and Stephan Klingebiel (2007), Development Cooperation and Non-State Armed Groups, Bonn: German Development Institute.
- 20- Halawi, Ibrahim (2015), The Non-States of the Middle East: A New Era, Middle East Eye.
- 21- Harb, Imad (2019), Why the United Arab Emirates Is Abandoning Saudi Arabia in Yemen, Foreign Policy, August 1.
- 22- Hasan, Harith and Khaddour, Kheder (2020), The Transformation of the Iraqi-Syrian Border: From a National to a Regional Frontier, Carnegie Middle East Center.
- 23- Heras, Nicholas (2018), 'Security Belt': The UAE's Tribal Counterterrorism Strategy in Yemen, Terrorism Monitor, Vol. 16, No. 12.
- 24- Hofmann, Claudia and Schneckener, Ulrich (2011), Engaging Non-State Armed Actors in State and Peace-Building: Options and Strategies, International Review of the Red Cross, Vol. 93, No. 883.
- 25- Hussein, Akil (2018), Division Defines Syria's Tribes and Clans, Chatham House.
- 26- Jones, Seth (2019), War by Proxy: Iran's Growing Footprint in the Middle East, CSIS Briefs.
- 27- Kamel, Lorenzo (2017), The Frailty of Authority Borders, Non-State Actors and Power Vacuums in a Changing Middle East, Rome: Edizioni Nuova Cultura.
- 28- Kausch, Kristina (2017), State and Non-State Alliances in the Middle East, The International Spectator Italian Journal of International Affairs, Vol. 52, No. 3.
- 29- Khan, Imran (2020), Analysis: How Saudi Arabia and Iran became rivals, <https://www.aljazeera.com/features/2020/6/4/analysis-how-saudi-arabia-and-iran-became-rivals>
- 30- Kornbluth, Jesse (2019), Militias in the Middle East and North Africa: It's the governance, stupid, The Brookings Institution.
- 31- Krause, Keith & Jennifer Milliken (2009), Introduction: The Challenge of Non-State Armed Groups, Contemporary Security Policy, Vol. 30, No. 2.
- 32- Mazzetti, Mark and Eric Schmitt (2020), Pentagon Order to Plan for Escalation in Iraq Meets Warning From Top Commander, New York Times.
- 33- McKernan, Bethan (2020), Exclusive: 2,000 Syrian fighters deployed to Libya to support government, The Guardian, 15 Jan.
- 34- Middle East Eye (2020), As Rumours Swirl of Yemenis fighting in Libya, mercenaries enlist to join the war, <https://www.middleeasteye.net/news/yemen-turkey-libya-mercenaries-rumours-enlist>
- 35- Middle East Monitor (2019), Saudi jets helping Israel strike pro-Iran militias on Syria-Iraq border, <https://www.middleeastmonitor.com/20190919-saudi-jets-helping-israel-strike-pro-iran-militias-on-syria-iraq-border/>
- 36- Middle East Monitor, (2020), Report: Saudi Arabia to fund US-backed militias in Syria to confront Iran, <https://www.middleeastmonitor.com/20200221-report-saudi-arabia-to-fund-us-backed-militias-in-syria-to-confront-iran/>
- 37- Niakooee, Seyed Amir (2013) Contemporary Arab Uprisings: different processes and outcomes. Japanese Journal of Political Science.14. Pp421-445.
- 38- DOI:10.1017/S1468109913000170
- 39- Nordic Monitor, (2020), Turkey's paramilitary contractor SADAT to hold Islamic Union Congress for common defense system, <https://nordicmonitor.com/2020/07/assam-led-by-paramilitary-contractor-sadats-chief-to-organize-conference-on-joint-defense-system-for-its-islamic-union/>
- 40- Olivier, Mathieu (2020), Nigeria: 'Boko Haram was funded and inspired by Bin Laden' - Zenn, The Africa Report.
- 41- Oweis, Khaled Yacoub (2013), Insight: Saudi Arabia boosts Salafist rivals to al Qaeda in Syria, Reuters.
- 42- Ozkizilcik, Omer (2021), How Saudi Arabia surrendered its influence in the Middle East, TRT World, <https://www.trtworld.com/opinion/how-saudi-arabia-surrendered-its-influence-in-the-middle-east-43070>
- 43- Pollack, Kenneth M. (2017), Facing the Iranian Challenge in the Middle East: The Role of Iranian-Backed Militias, The American Enterprise Institute (AEI).
- 44- Roblin, Sebastien (2019), Chinese Drones Are Going to War All Over the Middle East and Africa, National Interest.
- 45- Sadjadpour, Karim (2020), Iran, Saudi Arabia, and Societal and Political Change in the Middle East, Carnegie Corporation of New York.

- 
- 46- Stark, Alexandra (2020), Give Up on Proxy Wars in the Middle East, *Foreign Policy*, August 7.
- 47- Taskomur, Fatima (2018), Saudi Arabia in talks with SDF to form new force in northern Syria, *TRTWorld*.
- 48- The National News, (2019), Sudan's military leadership pledges to back Saudi Arabia against Iran threats, <https://www.thenationalnews.com/world/mena/sudan-s-military-leadership-pledges-to-back-saudi-arabia-against-iran-threats-1.866068>
- 49- Van den Berge, Wietse (2016), Analyzing Middle Eastern Armed Non-State Actors' Foreign Policy, *Global Security Studies*, Vol. 7, No. 3.
- 50- Vinci, Anthony (2008), Anarchy, Failed States, and Armed Groups: Reconsidering Conventional Analysis, *International Studies Quarterly*, Vol. 52, No. 2.
- 51- Vohra, Anchal (2020), Suleimani's Absence Has Been No Problem for Iran in Syria, *Foreign Policy*, April 3.